ادامه از صفحه ۲

دولت کجاست؟!

بر اثر چنین خلأیی است که افسر پلیس جرئت پیدا می‌کند به مردم بگوید «که با حکم خودش، جاده را خواهد بست» و هنگامی که امر محقق نمی‌شود، گروهی از مردم نیز با حکم خود راه را می‌بندند؛ روندی که نتیجه‌ای جز هرج‌ومرج ندارد.

این اتفاقات زمانی رخ می‌دهد که دولت غایب باشد یا حضور متزلزلی داشته باشد. آنچه از دولت مقتدر توسعه‌گرا انتظار می‌رود، همین است که دامنه اقتدار خود را در شرایط بحران یا استثنائی حفظ کند و با ورود یک ویروس فراگیر مانند کرونا دچار تزلزل نشود. در چنین مواقعی آخرین احساسی که باید به مردم منتقل شود، بی‌نظمی در اقتدار حاکمه است.

اما اقتداری که ۲۰ روز پس از بحران قادر به تهیه و توزیع الکل یا ماسک نباشد، یا قادر به بستن یا قرنطینه منطقه بحران‌زده نیست یا اهالی دولت به‌جای مقابله با ویروس با خوشحالی خبر ابتلای خود را می‌دهند، نظمی ازهم‌گسسته دارد. چنین سیستمی در اولین فرصت باید در مبانی نظری و الزامات عملی خود تجدیدنظر کند. ایران نیازمند دولت مقتدر توسعه‌گرا است که «سیاست اول ایران» را نهادینه کند. دولت مقتدر به معنای دولت بزرگ یا سنگین نیست. همه دولت‌های مقتدر جهان دست‌کم در تجربه‌های دموکراتیک خود کوچک و چابک هستند که حوزه مسئولیت و دخالت آنها محدود اما مقتدرانه و مدبرانه است. در چنین ساختاری است که دولت نمی‌تواند غایب باشد و منتقدان از «فقدان دولت» یا «ملت بی‌دولت» سخن نخواهند گفت. آینده ایران را ساختار مبتنی بر دولت مقتدر توسعه‌گرا تعیین خواهد کرد یا اصولا آینده‌ای نخواهد داشت. ایران پساکرونا باید با پیش از آن متفاوت باشد. یک دولت مقتدر توسعه‌گرا اگر حمایت طبقات و سایر بخش‌های عمومی را داشته باشد، می‌تواند در عرض ۱۰ سال کشور را به وضع مطلوب برساند اما راه برون‌رفت از همه مشکلات سیاست داخلی و خارجی ابتدا فهم تازه‌ای از دولت‌مداری و حکمرانی است. در فهم کنونی از دولت‌مداری، نه توسعه ممکن است نه خود دولت به اندازه کافی اقتدار دارد. ایران برای توسعه و پیشرفت به دولتی مقتدر و نظمی دقیق نیاز دارد.

۴۱ سال پیش در چنین روزی آغاز شد

محاکمه نخست‌وزیر ۱۳ ساله

شرق: ۴۱ سال پیش در فرداروزی محاکمه نخست‌وزیر ۱۳ساله رژیم پهلوی آغاز شد. ابراهیم یزدی، دبیر کل فقید نهضت آزادی می‌گوید: «وقتی هویدا را از پادگان جمشیدیه به مدرسه رفاه آوردند، به من گفت که فلانی، من حرف‌های زیادی دارم که باید بزنم... من به آقای خمینی گفتم که هویدا اسرار زیادی دارد... باید بگذاریم حرفش را بزند. ایشان پیشنهاد من را پذیرفت. به خلخالی گفت همان‌جور که فلانی می‌گوید، عمل کنید...» که البته عمل نشد.

هویدا که در مهرماه ۱۳۵۶ بعد از ۱۳ سال نخست‌وزیری کناره گرفت و در مقام وزیر دربار کار خود را ادامه داده بود، بعد از جمعه سیاه ۱۷ شهریور ۵۷ از همه مناصب دولتی و حکومتی خود استعفا داد. براساس برخی منابع شاه به او پیشنهاد کرد که به بلژیک برود و در سفارت ایران در این کشور مشغول به کار شود. او این پیشنهاد را نه رد کرد و نه قبول و چند روزی فرصت خواست تا جوانب را بسنجد؛ اما در این چند روزی که او در حال مذاکره با دوستانش بود، اتفاقات زیادی رخ داد و در نهایت به زندانی‌شدنش منجر شد. او ابتدا به بهانه مراقبت بیشتر در خانه شخصی‌اش حصر شد و در ۱۷ آبان به‌صورت رسمی دستگیر و به زندان قصر منتقل شد و در روزهای پر آتش و خون بهمن ۵۷ او ماجرا را از پشت حصار زندان قصر در سلول انفرادی دنبال کرد. سلولی که به گفته صادق خلخالی، قاضی شرعی که دادگاه او را اداره می‌کرد، بیشتر هتلی برای خوش‌گذرانی دسته‌جمعی این افراد دستگیر شده بود. در همان‌جا بود که صدای انقلاب اسلامی را شنید. با قطعی‌شدن پیروزی انقلاب او را همراه تعدادی از زندانیان خاص به مدرسه رفاه بردند. دکتر فرشته انشاء که پزشک هویدا بود، به عباس میلانی، تاریخ‌نگار و نویسنده کتاب «معمای هویدا» گفته بود در مدرسه رفاه به دیدار او رفت و بعد از آن شنید که دادگاه‌های هویدا آغاز شده است. دادگاهی که به نوشته خبرنگار روزنامه اطلاعات، چهار ساعت در حضور ۳۰۰ تماشاگر برگزار شد که خانواده شهدای انقلاب اسلامی نیز در آن شرکت کرده بودند. هویدا وقتی به دادگاه رسید، به نوشته رسول صدرعاملی، خبرنگار روزنامه اطلاعات، هنوز خواب‌آلود بود و خبری از چهره همیشه مرتبش نبود. حمید هوشنگی، گزارشگر تلویزیون، در کنار مجید حدادعادل که داشت صدابرداری می‌کرد و غلامعلی حدادعادل و صدرعاملی این لحظه تاریخی را ثبت می‌کردند.

صادق خلخالی، رئیس دادگاهی که هویدا را به اعدام محکوم کرد، در خاطراتش درباره آن روز می‌نویسد: «پس از تشکیل جلسه محاکمه هویدا و انجام دفاعیات او و صدور حکم اعدام، هویدا درحالی‌که عرق می‌ریخت، گفت: حضرت خلخالی! من نمی‌گویم مرا اعدام نکنید؛ ولی خواهش می‌کنم به مدت دو ماه اعدام مرا به تأخیر بیندازید. دولت موقت به من وعده داده است. من گفتم: اصل تفکیک قوای ثلاثه؛ مقننه و قضائیه و مجریه را دولت موقت هم قبول دارد. خلاصه هرچه او اصرار کرد، من قبول نکردم و گفتم وصیت خود را بنویس! او گفت: حضرت خلخالی! یک میلیارد دلار به شما می‌دهم تا شما این کار را به عقب بیندازید. گفتم: اینها شعر است و من نمی‌توانم در پیشگاه ملت ایران، جواب‌گوی تأخیر محاکمه و اعدام شما باشم. هویدا گفت: سلام مرا به مادرم برسانید و بگویید به دیدن من بیاید؛ چون او علاقه زیادی به من دارد و غیر از من کسی را ندارد. گفتم: مادران زیادی بودند که گریه می‌کردند، ولی نتوانستند عزیزان خود را قبل از اعدام ببینند؛ ولی ما هرچه گشتیم تا مادر هویدا را به دیدن پسرش ببریم، او در دسترس نبود...

هویدا حاضر به نوشتن وصیت نشد تا شاید دستور اعدام او به تأخیر افتد و همین را فرجه حساب می‌کرد و شاید تصور می‌کرد دستی از غیب برای نجات او بیرون بیاید؛ ولی چاره‌ای نداشتیم و سرانجام حکم را اجرا کردیم...».

متن اتهام‌های هویدا در دادگاه به‌شرح زیر قرائت شد: فساد در ارض، محاربه با خدا و خلق خدا و نایب امام زمان، قیام علیه امنیت و استقلال مملکت با تشکیل کابینه‌های دست‌نشانده آمریکا و انگلیس و حمایت از منافع استعمارگران، اقدام بر ضد حاکمیت ملی با حفظ سلطه سلطان دست‌نشانده آمریکا و دخالت در انتخابات، قانون‌گذاری و عزل و نصب وزرا و فرمانداران با نظر و خواست سفارتخانه‌های خارجی، واگذارکردن بی‌قیدوشرط منابع زیرزمینی از جمله نفت و مس و اورانیوم و... به بیگانگان، گسترش نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا و همدستان اروپایی‌اش بر ایران، من جمله از طریق نابودی صنایع داخلی و تضعیف آنها در برابر رقبای خارجی و تبدیل ایران به بازار مصرف کالاهای خارجی، پرداخت درآمدهای ملی حاصل از نفت به شاه و فرح و نیز تسلیم این درآمدها به ممالک وابسته به غرب و سپس اخذ وام به نرخ‌های بالا و گزاف و شرایط اسارت‌بار از آمریکا و سایر دولت‌های غرب، نابودکردن کشاورزی و دامپروری و ازبین‌بردن جنگل‌ها، شرکت مستقیم در فعالیت‌های جاسوسی به نفع غرب و صهیونیسم، دسته‌بندی با توطئه‌گران بین‌المللی در پیمان‌های سنتو و ناتو و سرکوبی ملت‌های ایران و فلسطین و ویتنام، عضو فعال سازمان فراماسونری در ایران در لژ فرعی با توجه به اسناد موجود و اقرار شخصی متهم، شرکت در خفه‌کردن و ارعاب مردم حق‌طلب و استعمارشده ایران با دستگیری آزادی‌خواهان و کشتار مردم بی‌دفاع و ضرب و جرح و شکنجه و آزار آنان و نقض آزادی‌های اساسی مصرح در قانون اساسی وقت و قوانین موجود از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و قوانین الهی از جمله با توقیف روزنامه‌ها و اعمال سانسور در مطبوعات و کتب، مؤسس و اولین دبیر کل حزب استبدادی رستاخیز ملت ایران، اشاعه فساد فرهنگی و اخلاقی و شرکت در تحکیم پایه‌های استعمار از جمله شرکت در برقراری مجدد کاپیتولاسیون یعنی ایجاد قضاوت کنسولی درباره آمریکاییان، شرکت مستقیم در قاچاق هروئین در دوران اقامت در فرانسه در معیت حسنعلی منصور، دادن گزارش‌های خلاف واقع و اشاعه اکاذیب با انتشار روزنامه‌های دست‌نشانده و گماردن سردبیران جیره‌خوار در رأس نشریات و سانسور اخبار و انتشار اخبار و گزارش‌های مجعول که تمام این اقدامات در اجرای توطئه استعمارگران بیگانه و سلطان دست‌نشانده به‌منظور اسارت و استعمار هرچه بیشتر ملت ایران بوده است. سلطانی که حسب اقرار متهم به‌وسیله آمریکا روی کار آمده است.

هویدا بعد از شنیدن این کیفرخواست در پاسخ به رئیس جلسه گفت: «به دادگاه عرض کنم که جناب دادستان با این‌جانب دو بار جلساتی داشته‌اند که هر دو جلسه روی نوار ضبط شده است و تعدادی سؤال از این جانب فرمودند که قرار بر این شد پاسخ آن سؤالات را آماده کنم و توافق شد که این اجازه داده شود که ارقام و اطلاعاتی که درباره آن سؤال‌ها و این اتهامات بوده جمع‌آوری شود تا در اختیار آنها گذاشته شود».

مکررترین جملات هویدا در دفاع از خود در برابر این اتهامات این بود که: «در آن سیستم این‌طور عمل می‌شد که سیاست خارجی مستقیما زیر نظر پادشاه اجرا می‌شد. سیاست نظامی هم زیر نظر پادشاه اجرا می‌شد. سیاست امنیتی نیز مستقیما زیر نظر پادشاه بود. اینکه چرا این‌طور بود یک حرف دیگر است، ولی زیر نظر پادشاه اجرا می‌شد و اگر دستگاهی جنایتی انجام داده و من اطلاع نداشتم، آیا من مقصرم؟ به قدر تقصیر خودم باید مرا مقصر بدانید نه بیشتر...».

در آخرین دفاع هم گفت: «دست من به مال و خون آلوده نیست؛ اما اگر در زمان من بعضی از جوانان از طرف مقامات شکنجه شدند و زجر کشیدند، عرض می‌کنم اطلاع نداشتم. ولی چون در زمانی بودم که چنین کاری صورت پذیرفت، جز اینکه از آنها عفو بخواهم کار دیگری از من ساخته نیست؛ اما همه کارهای من هم بد نبوده است. من تسلیم دادگاه هستم و همیشه شعارم توکلت علی‌الله بوده است».

ابوالفضل توکلی‌بینا، از چهره‌های قدیمی بازار و از فعالان کهنه‌کار سیاسی که مورد وثوق امام و رهبری و دولت‌های مختلف بوده، در گفت‌وگو با نشریه «حریم امام» به نکات جالب و کمترگفته‌شده‌ای اشاره کرده است. روایت او روایت پیش‌گفته از سوی مرحوم ابراهیم یزدی را درباره توصیه به اعدام‌نکردن هویدا تأیید می‌کند. توکلی‌بینا گفته است: «دستگیری و انتقال هویدا [نخست‌وزیر دوران پهلوی] مردمی بود و امام دستور داد هرچه می‌خواهد برای او فراهم کنند. ابتدا در یک اتاق مستقل و اختصاصی در طبقه دوم مدرسه رفاه نگهداری می‌شد اما چند روز بعد به زندان قصر منتقلش کردند و بعد هم [با حکم صادق خلخالی] اعدام شد. البته دولت موقت [به ریاست مهندس بازرگان] تلاش کرد هویدا اعدام نشود و دستور آن را هم از امام گرفته بودند اما قبل از اینکه پیام امام را برسانند، او را اعدام کردند. البته چهار نفر بودند که یکی از آنها هویدا بود. به نظر من اعدام او به آن فوریت کاری اشتباه بود چون او یازده [سیزده] سال نخست‌وزیر بود و اطلاعات زیادی درباره شاه داشت. مثل تیمسار فردوست که حرف‌های زیادی گفت».

آن‌طورکه علی مطهری هم روایت کرده است، گویا پدرش هم با این اعدام مخالف بوده. او به‌تازگی در مصاحبه‌ای درباره اعدام‌های وابستگان پهلوی و واکنش‌های استاد مطهری گفته است: «ایشان چندین‌بار به آقای خلخالی تلفنی تذکر دادند. من خودم یکی، دو بار را شاهد بودم؛ مثلا درمورد اعدام هویدا معتقد بودند که نباید عجله شود. تلاش کردند با امام تماس بگیرند و آن شب موفق نشدند و تصمیم داشتند صبح با امام صحبت کنند اما هویدا را همان شب اعدام کرده بودند...».

الو شرق ۸۸۹۴۸۲۷۳

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● با کمال تأسف در حالی که فروش و درآمد واحدهای تولیدکننده تیوب ژل ضدعفونی‌کننده دست به دلیل تقاضا نجومی شده است، این شرکت‌ها نسبت به قبل از شیوع کرونا قیمت محصول خود را با درج روی کالا دو برابر کرده‌اند!

یک مخاطب

● نمی‌دانم چرا هروقت اتفاق خاصی در جامعه می‌افتد یک عده سعی می‌کنند از شرایط موجود به نفع خود استفاده کنند، از وقتی بیماری کرونا به ایران آمده قیمت برخی اقلام بالاتر رفته. امروز قیمت گوشت کیلویی ۱۵۰ هزار تومان است. چرا به جای اینکه در این شرایط به فکر هم باشیم، باری بر دوش هم می‌گذاریم. متأسفانه باز شب عید رسید و تمام محصولات را باید با قیمت‌های بالاتر خریداری کنیم. پیشنهاد می‌کنم همه مسئولان تمام انرژی خود را فقط برای مهار بیماری در نظر نگیرند و مسئولانی که کارشان نظارت بر قیمت‌های بازار است به وظایف خود عمل کنند.

یک مخاطب

● برخلاف وعده چند روز قبل آقای سعید نمکی وزیر محترم بهداشت، درمان و و آموزش پزشکی مبنی بر به زودی برطرف‌شدن کمبود (ماسک دهان و بینی) برای پیشگیری از سرایت ویروس خطرناک و بیماری جدید کرونا در همین چندروزه و کمک‌های پزشکی و تدارکاتی دیگر کشورها به ایران، متأسفانه پس از گذشت روزهای زیاد و تنگ‌بودن وقت، هنوز این کمبودها شدیدتر از قبل در کشور ما ادامه دارد. واقعا این مسئولان ما با به‌مسخره‌گرفتن این اوضاع نابسامان و بیماری‌ها چه کار دارند می‌کنند؟!

محمود بلیغیان

● واقعا تأسف‌انگیز و است که در کشور ما، ماسک تنفسی کاغذی که گفته می‌شد میلیون‌ها عدد از آن را در عملیات جست‌وجو از احتکارگران سودجو و فرصت‌طلب کشف کرده‌اند و همچنین دستکش‌های یک‌بارمصرف و ژل الکل سفید که از ابتدایی‌ترین مواد و وسایل کنترل و پیشگیری از بیماری و ویروس جدید و خطرناک کرونا هستند، بازار سیاه پیدا کرده و در هیچ جا و هیچ داروخانه‌ای به قیمت مصوب و قیمت اصلی و ارزان پیدا نمی‌شود.

یک مخاطب